

---

Study of the effects and consequences of denial and the right to silence in the  
criminal process and international documents

Abstract

Respect for the rights of the accused during the trial is a requirement for the administration of judicial justice, and this principle is reflected in national and international law; Therefore, the defense rights of the accused are guaranteed in various stages of the investigation of an accusation, in international regulations, including the International Covenant on Civil and Political Rights, and in the domestic arena in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. The purpose of the present study is to study the effects and consequences of denial and the right to silence in the criminal process and international documents that the effects and results of denial and the right to silence. The method of the present research is descriptive-analytical. The results of the present investigation are as follows: In transnational documents, the right of the accused to remain silent is an issue that specifies the duty or non-duty of the judicial authorities and its scope in informing the accused to remain silent in the face of charges. Also, the principle of innocence as one of the principles governing criminal law and criminal proceedings that is deeply related to the protection of individual rights and freedoms in society, but regardless of this recognition in international instruments and domestic law, first of all, our jurisprudence coincides with It is not a legislative policy and there is a long way from theory to practice in institutionalizing the principle of innocence and its effects in criminal proceedings. It is a punishment.

**Keywords:** Right of silence of the accused, denial, principle of innocence, criminal process, international documents.

---

## مطالعه آثار و نتایج انکار و حق سکوت در فرایند کیفری و اسناد بین‌المللی

محمد دحیمی<sup>۱</sup>دکتر اسماعیل عبدالهی<sup>۲</sup>دکتر مریم صفایی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

## چکیده

رعایت حقوق متهمین در جریان دادرسی از ملزومات اجرای عدالت قضایی است و این اصل در قوانین ملی و بین‌المللی تجلی یافته است؛ لذا حقوق دفاعی متهم در مراحل مختلف رسیدگی به یک اتهام، در مقرره‌های بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در عرصه داخلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین شده است. هدف از تحقیق حاضر، مطالعه آثار و نتایج انکار و حق سکوت در فرایند کیفری و اسناد بین‌المللی که آثار و نتایج انکار و حق سکوت است. روش تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی است. نتایج تحقیق حاضر، عبارتند از: در اسناد فراملی نیز حق سکوت متهم موضوعی است که تکلیف یا عدم تکلیف مقامات قضایی و محدوده آن در آگاه کردن متهم مبنی بر ساکت ماندن در مقابل اتهامات مشخص گردد. همچنین، اصل برائت به عنوان یکی از اصول حاکم بر حقوق کیفری و دادرسی‌های جزایی که ارتباط عمیقی با حفظ حقوق و آزادیهای فردی در جامعه دارد، اما صرف نظر از این شناسایی در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، اولاً رویه قضایی ما همگام با سیاست تقنینی مزبور نیست و از تئوری تا عمل در نهادینه کردن اصل برائت و آثار آن در دادرسی‌های کیفری فاصله زیادی هست و ثانیاً در قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران مواردی دیده می‌شود که نشان از بی‌توجهی یا عدم اعتقاد مقنن به این اصل مهم حقوق کیفری است.

واژگان کلیدی: حق سکوت متهم، انکار، اصل برائت، فرایند کیفری، اسناد بین‌المللی.

<sup>۱</sup> . دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران  
<sup>۲</sup> . استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)  
 dr.abdollahi49@yahoo.com

<sup>۳</sup> . استادیار، گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

## ۱- مقدمه

حقوق متهم با قدمتی نزدیک به سی سال در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با قدمتی حدود ۹۵ سال در قانون اصول محاکمات جزایی و قانون آیین دادرسی کیفری، از زوایای مختلف به کرات مورد بررسی، نقد و کنکاش صاحب نظران قرار گرفته است. لیکن امروزه قسمت مهمی از بحث های حقوق بشری ناظر به آیین دادرسی کیفری و مفاهیم محاکمه عادلانه و منصفانه، حقوق شهروندی و به ویژه حقوق متهم در مراحل نخستین رسیدگی و در مواجهه با ضابطان و قضات تحقیق (دادپار، بازپرس و قاضی تحقیق) است.

نگاهی به تاریخ ادوار گذشته به خوبی نشان می‌دهد که بشر از قدیم الایام در معرض تاخت و تازهای فراوان و مورد تهدید، قتل، غارت، شکنجه و کشتار جمعی از ناحیه زورگویان و شکنجه‌گران حاکم بوده است. از زمانی که تاریخ به یاد دارد در هر زمان عده‌ای از افراد بشر از حقوق طبیعی و ذاتی خویش محروم مانده و از دست هموعان مستبد، مغرور و صاحب قدرت خویش رنج و ستم کشیده‌اند، ولی در عین حال از همان ابتدا که ظالمان مرتکب ظلم می‌شده‌اند، حس انسان‌دوستی و ستیزه‌جویی با مظاهر فساد و ظلم‌برانگیخته شده است و تعالیم دینی و اخلاقی به همراه آراء و نظرات اندیشمندان، فلاسفه و بشردوستان نقش گسترده‌ای برای حفظ حقوق و آزادی‌های تمام ابتناء بشر ایفاء کرده‌اند. حاصل این تلاش‌های گسترده و طولانی، تدوین و تصویب اعلامیه‌های حقوق بشر اعم از «منطقه‌ای» مثل منشور آفریقایی حقوق بشر (۱۹۸۱) کنوانسیون آمریکایی (۱۹۶۹) و کنوانسیون اروپایی (۱۹۵۰) حقوق بشر و «جهانی» مانند اعلامیه جهانی بشر (۱۹۴۸) بوده است.

دو فرآیند انکار و سکوت در نظام‌های حقوقی به‌ویژه امور کیفری از موضوعات مهم و درعین حال مورد اختلاف نظر حقوق‌دانان و برخی فقیهان می‌باشد. اهمیت این امر بدین خاطر است که در صورت بروز انکار و یا سکوت متهم، قاضی محکمه ناگزیر به دنبال دلایل دیگری خواهد رفت. لذا برای این دو فرآیند به‌ظاهر متضاد مبانی و اصولی در نظر گرفته شده و بر اساس آن مبانی مواد قانونی جدیدی از متون حقوقی و فقهی استخراج و تدوین شده است. از جمله این مبانی می‌توان به سه مبانی: اصل برائت، اصل کرامت و اصل آزادی فردی اشاره کرد.

با توجه به اصل برائت می‌توان گفت که مبانی اصلی انکار و حق سکوت را باید در فرض بی‌گناهی جست‌وجو کرد. بر این اساس، الزام مقام پی‌گرد به ارائه دلیل و عدم الزام متهم به ارائه دلیل مبنی بر بی‌گناهی خود وی را از حق سکوت بهره‌مند می‌کند؛ توضیح آنکه، متهم در پناه فرض یادشده بی‌گناه انگاشته شده و مدعی مجرمیت باید دلایل خود را ارائه کند..

در خصوص مُحَقُّ بودن متهم به سکوت: در ماده ۱۹۷ آمده است: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضاء اظهارات در صورت مجلس قید می‌شود.» حق سکوت نیز یکی از تضمین‌هایی است که برای متهمان نزد مراجع کیفری یا پلیس (از زمان حضور نزد این مقام‌ها تا زمان آزاد شدن) این حق شماری از مسائل مربوط به حق خودداری از پاسخ

به پرسش‌ها را شامل می‌شود و می‌تواند ناظر به خودداری از خوداتهامی یا پاسخ ندادن به پرسش‌ها باشد. بنابراین، نمی‌توان خودداری از پاسخ دادن به پرسش‌ها را مبنای حکم علیه متهم قرارداد. شعبانی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان مطالعه تطبیقی حق سکوت متهم در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای به بررسی حق سکوت متهم پرداخته است. در اسناد فراملی نیز حق سکوت متهم موضوعی است که تکلیف یا عدم تکلیف مقامات قضایی و محدوده آن در آگاه کردن متهم مبنی بر ساکت ماندن در مقابل اتهامات مشخص گردد. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارند که اصل براءت به عنوان یکی از اصول حاکم بر حقوق کیفری و دادرسی‌های جزایی که ارتباط عمیقی با حفظ حقوق و آزادیهای فردی در جامعه دارد، اما صرف نظر از این شناسایی در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، اولاً رویه قضایی ما همگام با سیاست تقنینی مزبور نیست و از تئوری تا عمل در نهادینه کردن اصل براءت و آثار آن در دادرسی‌های کیفری فاصله زیادی هست و ثانیاً در قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران مواردی دیده می‌شود که نشان از بی‌توجهی یا عدم اعتقاد مقنن به این اصل مهم حقوق کیفری است.

قرقانی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان حق سکوت متهم در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق ایران، حق سکوت متهم، یکی از نتایج قطعی التزام به اصل براءت است. اصل مصونیت در برابر خوداتهامی نیز، دیگر مبنای آن عنوان گردیده است. حق سکوت متهم بدین معناست که به موجب قانون، متهم این حق و اختیار را داشته باشد که در مقابل ادعا و شکایت اقامه شده علیه او، به تمامه کام فروبندد تا مدعیان معرکه (شاکلی/دادستان)، زمام اثبات ادعایشان را به دست گیرند. به برقرار بودن این حق برای متهم، در برخی اسناد بین‌المللی نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک تصریح شده است. حق سکوت، در رویه قضایی و مجموعه مقررات این دادگاه‌ها، جایگاه شایسته‌ای دارد؛ بدین سان که، علاوه بر مورد تاکید قرار گرفتن موضوع استقرار این حق برای متهمین، دیگر ابعاد و زوایای این حق، از جمله عدم امکان استنباط خلاف از سکوت متهم نیز، تعیین و به تصریح بیان شده‌اند. اما، در ارتباط با جایگاه این حق در بستر حقوق ایران، باید گفت که، از جستجو در دامان پهناور فقه، نخواهیم توانست در مورد وجود حق صریحی موسوم به حق سکوت متهم، سخن بگوییم.

اکبرزاده (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان جایگاه حقوق متهم در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، حقوق متهم جزء طبیعی و ذاتی نوع بشر است و چیزی نیست که دولت مردان به مردم واگذار کرده باشند و بتوانند از آنان سلب نمایند. لذا بر حاکمان است که تدابیر لازم جهت رعایت و حمایت آن فراهم نمایند و امکانات لازم در اختیار متهم بگذارند، تا بتوانند در صورت بی‌گناهی از اتهامات ناروا تبرئه شوند. حق دفاع متهم یکی از عناصر امنیت قضایی در کنار حق دادخواهی است که باعث آسایش و آرامش حقوقی شهروندان و در نتیجه موجب پیشرفت جامعه بشری در زمینه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره می‌شود.

در خصوص ضرورت این پژوهش که در دو محور انکار و حق سکوت انتخاب شده می‌توان گفت که با توجه به اینکه تاکنون در هیچ‌یک از قوانین جاری ایران، به سکوت متهم به‌عنوان یک حق

همچنین اصول، ضوابط، ابعاد و چارچوب‌های آن، صریحاً اشاره‌ای نشده است. انجام این تحقیق ضروری به نظر می‌آید. شایان‌ذکر است، در لایحه آیین دادرسی کیفری، حق بودن حق سکوت برای متهم، توسط قانون‌گذار مورد تأکید واقع شده است لیکن در لایحه مزبور نیز، برخی ابعاد و زوایای این حق، تنویر نشده و کما فی السابق به سکوت برگزارشده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه متهم در مراحل اولیه جرم او ثابت نشده و در مظان اتهام قرار دارد از حقوقی برخوردار است که ریشه در قوانین مدون دولت‌ها و جدال سلیم انسان‌ها دارد. لذا فرض قرار دادن حقوق برای متهم از اصول اساسی قوانین کیفری ملی و بین‌المللی است که در این پژوهش با استناد به یافته‌های جدید مورد بررسی خواهد گرفت. در لایحه آیین دادرسی کیفری، حق بودن حق سکوت برای متهم، توسط قانون‌گذار مورد تأکید واقع شده است لیکن در لایحه مزبور نیز، برخی ابعاد و زوایای این حق، تنویر نشده و کما فی السابق به سکوت برگزارشده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه متهم در مراحل اولیه جرم او ثابت نشده و در مظان اتهام قرار دارد از حقوقی برخوردار است که ریشه در قوانین مدون دولت‌ها و جدال سلیم انسان‌ها دارد. لذا فرض قرار دادن حقوق برای متهم از اصول اساسی قوانین کیفری ملی و بین‌المللی است که در این پژوهش با استناد به یافته‌های جدید مورد بررسی خواهد گرفت.

## ۲- مفاهیم و مبانی نظری تحقیق

### ۲-۱- بررسی مبانی حقوق دفاعی متهم

مبانی حقوق دفاعی متهم شامل دادرسی عادلانه، اصل بی طرفی قاضی و اصل عادلانه و منصفانه بودن دادرسی است که در ذیل به این موارد پرداخته می‌شود:

#### ۲-۱-۱- دادرسی عادلانه

دادرسی به معنی اعم آن عبارت است از رشته‌ای از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد درباره تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجراء تصمیمات دادگاه‌ها می‌باشد که در فقه به آن علم القضاء گویند و دادرسی به معنی اخص آن مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می‌رود، مانند مجموعه مقرراتی که برای اخذ یک تصمیم در یک دعوی معین به کار برده می‌شود (شمس، ۱۳۹۵، ص ۱۹).

دادرسی به معنای اخص، مجموعه عملیات و اقداماتی است که به قصد پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می‌رود. مانند: مجموعه مقرراتی که برای گرفتن یک تصمیم در یک دعوای معین به کار برده می‌شود (سهراب‌بیگ، ۱۳۸۰، ص ۳۶) یا دادرسی به مفهوم اخص رسیدگی مرجع قضاوتی به دعوا یا امر مطروحه یعنی ادعاها، ادله، استدلال‌ات و خواسته خواهان، با لحاظ پاسخ خواننده، در جهت صدور رأی قاطع است (محمدخانی، ۱۳۹۰).

#### ۲-۱-۲- اصل بی طرفی قاضی

### ۱. اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از استقلال قاضی

استقلال قاضی که به نحوی با استقلال قوه قضائیه گره خورده است، موضوع برخی از اصول قانون اساسی است:

۱. اصل ۱۵۶ قانون اساسی چنین مقرر داشته است: «قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است...»

۲. اصل ۱۵۸ قانون اساسی: «وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است: استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها...» همان طوری که می دانیم عدالت قاضی به نحوی تضمین کننده استقلال و عدم جانبداری وی از احد طرفین دعوی است.

۳. از آنجا که صفت عدالت یکی از شرائط شرعی و فقهی برای قاضی است و قانون اساسی ایران نیز مبتنی بر اساس فقه امامیه است، لذا در اصل ۱۵۳، این شرط برای قاضی لازم شناخته شده است (متین دفتری، ۱۳۹۲، ص ۲۰۱).

## ۲. جایگاه استقلال و بی طرفی قاضی در نظام آئین دادرسی ایران و شناخت نقاط ضعف سیستم

حذف نهاد دادسرا از پیکره نظام دادرسی کیفری ایران در سال ۱۳۷۳ به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، خود ضرب مهلکی بر اصل بی طرفی قاضی بود. به موجب قانون فوق، شخص قاضی هم مستنطق بود و هم قضاوت کننده. دادرسی که خود متهم را مورد بازجویی قرار می دهد، خود از وی اخذ توضیحات می نماید و طوری سخن می گوید که گویی اصل را بر محکومیت وی قرار داده است، چگونه خواهد توانست در مقام انشاء رأی با بی طرفی کامل رأی دهد. با فرض وجود دادسرا، اشکال فوق برطرف می گردید، دادستان با کیفرخواست تقدیمی، بار بازجویی و اخذ توضیحات را تا حدود قابل توجهی از دوش قاضی بر می داشت. خوشبختانه دادسراها در قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ تا حدودی احیاء شد و قانونگذار پی به اشتباه خود برد و بار دیگر اصل بی طرفی قاضی مورد تقویت قرار گرفت. (ماده ۳ قانون فوق) با این حال در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۳۱ موادی که در حمایت از اصل استقلال و بی طرفی قاضی وضع شده است می توان به قرار ذیل اشاره کرد:

الف. ماده ۴۶ قانون فوق که موارد رد دادرس را گفته مقرر داشته است که: «دادرسان و قضات تحقیق در موارد زیر باید از رسیدگی و تحقیق امتناع نمایند و طرفین دعوی نیز می توانند آنان را رد کنند:

۱. وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس یا قاضی تحقیق با یکی از طرفین دعوی یا اشخاصی که در امر جزائی دخالت دارند.
۲. دادرس یا قاضی تحقیق قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکلف امور قاضی یا همسر او باشد.
۳. دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزند آنان وارث یکی از اشخاص باشد که در امر جزائی دخالت دارند.
۴. دادرس یا قاضی تحقیق در همان امر جزائی اظهار نظر ماهوی کرده و یا شاهد یکی از طرفین باشد.
۵. بین دادرس یا قاضی تحقیق و یکی از طرفین یا همسر و یا فرزند او دعوای حقوقی یا جزائی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال گذشته باشد.

۶. دادرسی یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزندان آنان نفع شخصی در موضوع مطروح داشته باشد.

همان‌طور که روشن است لزوم امتناع از رسیدگی به سبب موارد فوق توجیهی غیر از حمایت از اصل بی طرفی قاضی و جلوگیری از شائبه جانبداری قاضی از احد طرفین دعوی ندارد. ب. ماده ۱۵۱ قانون فوق اشعار می‌دارد: «قاضی از هر یک از شهود و مطلعین جداگانه و بدون حضور متهم، تحقیق می‌نماید اظهاراتشان را نوشته و به امضاء یا اثر انگشت آنان می‌رساند...» ماده ۱۹۶ قانون فوق در راستای مفاد ماده قبل مقرر داشته است: «دادگاه مکلف است از گواهان به طور انفرادی تحقیق نماید و برای عدم ارتباط گواهان با یکدیگر و یا با متهم اقدامات لازم را معمول دارد».

ماده ۲۱۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۳۱ مقرر داشته است که قاضی دادگاه پیش از اتمام رسیدگی و اعلام رأی در خصوص برائت یا مجرمیت متهم نباید به صورت علنی اظهار عقیده نماید. قاعده منع کسب و تحصیل دلیل برای اصحاب دعوی توسط قاضی هم که در امور کیفری و هم حقوقی لازم‌الرعایه است، باز خود حکایت از تضمین اصل بی طرفی قاضی دارد. ماده ۵۲ لایحه فوق دو محدودیت را برای قاضی در جهت حفظ استقلال و بی طرفی وی قائل شده است:

۱. ممنوعیت شرکت در احزاب سیاسی و جمعیت‌های وابسته به آنها. ماده فوق مقرر داشته است: «به منظور حفظ بی طرفی کامل و رعایت احترام و شئون قضائی، عضویت متصدیان مشاغل قضائی در احزاب و جمعیت‌های سیاسی وابسته به آنها ممنوع است».
۲. ممنوعیت انتشار مجلیه سیاسی و حزبی. به موجب ماده فوق هر گونه تبلیغات حزبی و انتشار روزنامه یا مجله سیاسی و حزبی برای قضات ممنوع است (آشوری، ۱۳۹۳، ص ۱۹۹).

### ۳-۱-۲- اصل عادلانه و منصفانه بودن دادرسی

از نگاه بسیاری از حقوقدانان، قانون جدید آیین دادرسی کیفری مزیت‌ها و نوآوری‌های زیادی دارد و بسیاری از خلاها و مشکلات قانون پیشین را برطرف ساخته و در زمینه حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دفاع، وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و .... از نکات و زوایای مثبتی برخوردار است که می‌تواند قانون دادرسی کیفری کشور را به قوانین پذیرفته جهانی در این زمینه نزدیک سازد. احیای داسراهای استانی از مزیت‌های قانون جدید است. در سال ۱۳۷۴ انحلال داسراها و در سال ۱۳۸۵ انحلال داسراهای استان صورت گرفت و بدین گونه نظارت متمرکز بر داسراها و ضابطان به صورت عملی از بین رفت و امکان این نظارت نیز از طریق دادگاه میسر نبود (کشاوری، ۱۳۹۲).

۱. حق داشتن وکیل

«حق انتخاب وکیل مدافع یکی از مهم‌ترین اصول دادرسی عادلانه می‌باشد. زیرا همه انسان‌ها حقوق‌دان نیستند، پس چه در دعاوی مدنی، چه جزایی به حضور وکیل مدافع برای تأمین عدالت نیازمندند» (صیاد، ۱۳۹۰، ص ۷)، به این اصل تناظر یا ترافعی بودن دادرسی گفته می‌شود.

## ۲. اصل علنی بودن دادگاه

علنی بودن محاکمات، نوعی نظارت مردمی برای محافظه کیفیت تحقیق اجرای عدالت، احقاق حقوق مضرر از جرم، رعایت حقوق دفاعی متهم و نیز تأمین منافع جامعه در تعقیب بزهکاران است» (موزن‌زادگان، ۱۳۷۳، ص ۲۷۹). رسیدگی علنی به عنوان یک تضمین اساسی برای عادلانه بودن و استقلال روند قضایی است و ابزاری حمایتی برای اعتماد عمومی و نظام قضایی است. در اسناد معتبر حقوق بشری نیز این مسئله مد نظر قرار گرفته است، از جمله این اسناد می‌توان به ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی سیاسی، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشاره نمود.

## ۳. اصل تفهیم اتهام به متهم

در همین زمینه شق الف بند ۱ ماده ۱۱۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «به زبانی که متهم کاملاً درک کرده و با آن صحبت می‌کند فوراً و دقیقاً از ماهیت، سبب و محتوای اتهام مطلع شود. بند ۲ از ماده ۹ میثاق حقوق سرئی و سیاسی نیز این مسئله را اعلام می‌دارد، در همین زمینه «دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح کرده است که بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این معناست که باید برای شخص بازداشت شده با زبانی ساده که درک کند و نه زبان تکنیکی و پیچیده، نکات اساسی حقوقی و واقعی علت بازداشت او شرح داده شود، به گونه‌ای که اگر او بازداشت خود را نامناسب یافت، علیه آن طرح دعوا کند» (صابر، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲).

## ۴. استقلال و بی‌طرفی دادگاه

«حق محاکمه شدن توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف، امروزه به یکی از اساس‌ترین حقوق، آدمیان بدل شده است، این حق، به روشنی در مقررات بین‌المللی حقوق بشر آمده است و در بسیاری از قوانین اساسی ملی درج گردیده است، به گونه‌ای که «بی‌تردید یکی از اصول کلی حقوق را تشکیل می‌دهد» و «یک اصل اساسی حکومت قانون است» (فضائلی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹).

## ۵. ممنوعیت سلب خودسرانه‌ی آزادی

«صدور قرار موقت باید صرفاً در اختیار مقام قضایی باشد و ضابطین دادگستری و مقامات اداری دستگاه عدالت کیفری از چنین اختیاری برخوردار نیستند، والا چنین بازداشتی خودسرانه است. عدم تشریفات قانونی باید به بطلان قرار بازداشت و مجازات مقام صادرکننده منجر شود؛ زیرا همان گونه که قبلاً بیان شده این قرار به محرومیت اشخاص از حق آزادی منجر می‌شود که علی‌الاصول این مجازات شدید متعاقب یک رسیدگی و با تصمیم یک مقام قضایی انجام می‌شود» (صابر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹). گاهی مواقع ممکن است صدور قرار بازداشت موقت به واسطه قانون داخلی خودسرانه تلقی نگردد، اما در حالی که در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی خود سرانه تلقی گردد.



## ۶. حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه

«آنچه در یک محاکمه عادلانه اساسی و ضروری به نظر می‌رسد این است که تمام متهمین به جرم کیفری، به منظور تضمین هدفمند بودن حق دفاع باید حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای دفاع را داشته باشند و این حق جنبه مهم و اصل اساس «تساوی ابزاری و امکانات» است. دفاع و تعقیب باید به شیوه‌ای صورت بگیرد که حق طرفین دعوا را در برخورداری از فرصت مساوی جهت آماده شدن و ارائه شکایت در طول روند رسیدگی تضمین نماید (طه و اشرفی، ۱۳۸۶، ص ۹۱).

### ۲-۲- جایگاه حق سکوت متهم در اسناد بین‌المللی

در اسناد بین‌المللی به ویژه معاهدات حقوق بشری به این حق متهم که بتواند آزادانه از قدرت انتخاب خود برای پاسخگویی به سوالات یا امتناع از آن استفاده کند، عنایت شده است. بر اساس بند ۳ ماده ۱۴ میثاق: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد: ... ز. مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف کند». در همین راستا کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) در بند ۲ ماده ۴۰ از دولتهای عضو خواسته است که در تضمین حق دفاع کودکان در مراجع قضایی به این موضوع، توجه کنند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، سند دیگری است که در آن به حق سکوت متهم تصریح شده است. به موجب مواد ۵۵ و ۶۷ اساسنامه مزبور، متهم مجبور به ادای شهادت یا اعتراف به مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند، بدون این که این سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی او داشته باشد. بدین ترتیب عدم امکان اجبار متهم به اعتراف یا شهادت و حق سکوت نزد مقامات انتظامی و قضایی در حقوق بین‌الملل به یک قاعده عرفی تبدیل شده است و همه دولتها مکلف به رعایت آن هستند. در اسناد بین‌المللی به ویژه معاهدات حقوق بشری به این حق متهم که بتواند آزادانه از قدرت انتخاب خود برای پاسخگویی به سوالات یا امتناع از آن استفاده کند، عنایت شده است (یکرنگی، ۱۳۸۶).

#### ۱-۲-۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۱ خود اعلام می‌دارد که هر کس به بزهکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد. ماده ۸ اعلامیه در واقع یک نوع ضمانت اجرا برای رعایت حقوق و آزادیهای فردی است. بر اساس این ماده و در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق بوسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه دارد». ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق رسیدگی به دعوای افراد به وسیله دادگاه مستقل، بی‌طرف، منصفانه و علنی را مورد توجه قرار داده و اعلام می‌نماید که فقط چنین دادگاهی حق تصمیم‌گیری درباره اتهام جزائی افراد را دارد. همچنین بر اساس ماده ۱۱ اعلامیه، رسیدگی به دعوای عمومی و اتهام افراد بایستی بار عایت کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع انجام شود. همچنین هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است محکوم نخواهد شد.

اولین سند بین‌المللی که به حق سکوت متهم و سایر حقوق مرتبطه متهم می‌پردازد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد که عناوین آن به شرح ذیل عنوان و ابراز می‌گردد. در اسناد بین‌المللی به ویژه معاهدات حقوق بشری به حق سکوت متهم که بتواند آزادانه از قدرت انتخاب خود برای پاسخگویی به سوالات یا امتناع از آن استفاده کند، عنایت شده است. بر اساس بند ۳ ماده ۱۴ میثاق: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد: ...-ز- مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف کند.» از آنجا که این میثاق به صراحت به سکوت متهم اشاره ننموده است، این پرسش پیش می‌آید که آیا به‌واقع میثاق حقوق مدنی و سیاسی نظر به حق سکوت متهم داشته است یا خیر؟ به نظر می‌رسد که پاسخ مثبت باشد؛ زیرا با جمع‌بندی مواردی که در بند ۳ ماده ۱۴ این سند آمده و موضوعاتی مانند فرض برائت که به صراحت در این میثاق ذکر شده، بی‌گمان می‌توان اعلام داشت حق سکوت توسط این سند بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است در اسناد بین‌المللی به ویژه معاهدات حقوق بشری به این حق متهم که بتواند آزادانه از قدرت انتخاب خود برای پاسخگویی به سوالات یا امتناع از آن استفاده کند، عنایت شده است. بر اساس بند ۳ ماده ۱۴ میثاق: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد: ...-ز- مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف کند.» در ماده ۱۴ میثاق مدنی - سیاسی آمده است که همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هرکس حق دارد به دادخواهی او منصفانه و علنی و در یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف تشکیل شده به موجب قانون رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهام جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید. بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هرکس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات آن مطلع شود و در اسرع وقت اختیاریه‌ای دایر به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد.» در ایران نیز طبق اصل ۳۲ قانون اساسی: «در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» مدلول این اصل در ق.آ.د.ک نیز آمده است. شخصی را که به اتهام ارتکاب جرم در بازداشت به سر می‌برد، نمی‌توان مجبور به اعتراف به جرم و یا شهادت علیه خود کرد. این حق هم در زمان پیش از دادرسی و هم در مراحل دادرسی به موقع اجرا گذارده خواهد شد. کمیته حقوق بشر اظهار داشته است که اجبار برای تهیه اطلاعات، اجبار به اعتراف و اخذ اعتراف از طریق شکنجه یا بد رفتاری ممنوع است. این کمیته ادامه می‌دهد که عبارت بندی ماده ۱۴ (۳) (g) مبنی بر این که هیچ کس را نمی‌توان مجبور به شهادت علیه خود و یا اعتراف نمود، می‌باید به معنی فقدان فشارهای فیزیکی و روانی مستقیم و یا غیرمستقیم مقامات تعقیب‌کننده نسبت به متهم، برای کسب اعتراف به جرم، تعبیر کرد. اولویت داشتن نوعی رفتار با متهم در مخالفت با ماده ۷ میثاق به منظور کسب اعتراف غیر قابل قبول خواهد بود.

### ۳-۲-۲- اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی

سند بین‌المللی دیگری که به حق سکوت متهم و سایر حقوق مرتبطه متهم می‌پردازد اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی (i.C.C) می‌باشد. در بند (الف) ماده ۵۵ این اساسنامه آمده است: «اشخاص نباید اجبار به متهم ساختن خویش یا اعتراف به ارتکاب جرم شوند.» همچنین مطابق قسمت دوم این ماده افراد باید قبل از تعقیب از حقوق خود مطلع شوند و از جمله این حقوق مندرج در بند (ب) آن است که می‌توانند سکوت اختیار نمایند؛ بدون این‌که آن سکوت دلالت بر مجرم بودن یا بی‌گناهی‌شان باشد حق سکوت متهم از زمره حقوق دفاعی او محسوب می‌شود و عبارتست از امتناع و خودداری متهم از پاسخ دادن به سوالات ضابطین دادگستری و مقام قضایی در مورد اتهام مطروحه علیه اوست. عدم اعلام حق سکوت به متهم توسط ضابطین دادگستری ممکن است متهمی را که آگاهی از موازین قانونی و حقوقی ندارد، ناچار به ذکر مطالبی به زیان خود کند. بی‌توجهی نسبت به رعایت چنین حقی نه تنها منجر به افزایش اختیارات ضابطین دادگستری در اخذ اقرار و اعتراف از متهم به شیوه‌های غیرمعمول و قانونی می‌شود؛ بلکه حقوق متهم را به شدت در معرض تعرض و تضییع حق توسط ضابطین دادگستری قرار می‌دهد گفتنی است که اکثر نظام‌های دادرسی کیفری پذیرفته‌اند که متهم حق دارد آزادانه از قدرت خود برای پاسخگویی یا امتناع از آن استفاده کند. به دیگر سخن قوانین کشورها، نیز یا مقررات صریحی در این باره پیش‌بینی کرده‌اند یا رویه قضایی به تدریج چنین حقی را برای متهم تثبیت نموده است. درباره مبانی اخلاقی و فلسفی حق سکوت متهم بسیار سخن گفته‌اند. آیا موازین اخلاقی به متهمی که تحت بازجویی است اجازه می‌دهد که در پاسخ به سوالات مقاماتی که در پی کشف حقیقت هستند سکوت اختیار کند و یا دروغ بگوید؟ آیا متهم در این صورت اخلاقاً مرتکب تقصیر نشده است؟ در نوشته‌های متشرعان و متکلمان مسیحی که عقاید کلیسا نیز بر آن مبتنی است پاسخ مثبت است. توماس آکوئیناس قدیس و پیروان او عقیده داشتند- متهم مکلف به بیان حقیقت است هرچند به قیمت جان او تمام شود. اما اخلاق‌گرایان امروزی با آنکه می‌پذیرند متهم می‌تواند برای فرار از چنگال عدالت بدون آنکه ضرری متوجه دیگری کند، از پاسخ به سوالات امتناع کند و یا به گونه‌ای پاسخ دهد که او را گرفتار نکند، هیچ‌یک از آنان پاسخ دروغ را جایز نمی‌شمارند و آن را ذاتاً بدمی دانند.

بند یک ماده ۵۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر نموده است که: «هر زمان پس از شروع به تحقیق و پس از وصول درخواست دادستان، شعبه مقدماتی با بررسی درخواست وی و ادله یا سایر اطلاعاتی که توسط مقام مذکور ارائه شده دستور بازداشت شخص را صادر می‌کند.»

### ۳-۲-۲- حقوق متهم در اسناد بین‌المللی

الف) حقوق ناشی از صدور حکم یا اجرای آن الف: حق درخواست تجدید نظر براساس بند ۵ ماده ۱۴ میثاق «هر کس به خاطر ارتکاب جرمی محکومیت یافته، حق دارد که محکومیت و مجازات او از سوی دادگاهی بالاتر موافق قانون، مورد رسیدگی مجدد واقع شود». این حق در قسمت هشتم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی نیز پیش‌بینی شده است. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر درباره این حق یا تضمین نیز ساکت است، اما ماده ۲ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون، چنین سکوتی را جبران

نموده و بتصریح تمام از ضرورت مراعات حق تجدید نظر محکومان سخن گفته است. شاید بتوان درباره آثار مثبت مجازات مجرمان تردید کرد، اما درباره آثار زیانبار مجازات محکومان بی‌گناه، به هیچ وجه نمی‌توان تردید یا تامل روا داشت. تجدید نظر در احکام جزایی یکی از راههای پیشگیری از تحمیل مجازات به متهمان بیگناه و آثار زیان بار آن است. حتی در شرایطی که صلاحیت، استقلال و بی‌طرفی دادگاه محرز است و دیگر تدابیر و معیارهای مربوط به یک محاکمه منصفانه نیز رعایت شده نمی‌توان ضرورت تجدید نظر در احکام را نفی نمود، چرا که اشتباه قضایی یا قانونی دادگاه همیشه ممکن است و همین امکان اشتباه به تنهایی برای توجیه چنین ضرورتی کافی است. رعایت مقررات فوق مستلزم وجود دادگاههای تجدید نظر از یک سو و پیش بینی مهلت مناسب برای درخواست تجدید نظر از سوی دیگر است. نه تنها نفی ضرورت یا مشروعیت تجدید نظر یا عدم تشکیل دادگاههای تجدید نظر یا عدم پیش بینی مدت زمان لازم برای درخواست تجدید نظر نقض حقی از حقوق اساسی بشر امروز محسوب می‌شود بلکه تعلل و تاخیر توأم با مسامحه در رسیدگی مجدد هم نقض چنین حقی خواهد بود. از نظر کمیته حقوق بشر عدم رسیدگی مجدد به محکومیت متهم مثلاً پس از ۳۰ ماه به عذر عدم دسترسی به پرونده بدوی، تخلف از دستور بند ۵ ماده ۱۴ میثاق است. با این همه حق مورد بحث ممکن است در مواردی نظیر محکومیت به مجازات های سبک و مواردیکه محکوم علیه از همان آغاز در عالی ترین مراجع قضایی محاکمه شده، محدود گردد. بند دوم ماده ۲ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر چنین محدودیت هایی را پذیرفته است.

ب) جبران زیان های وارد بر محکوم در موارد فسخ حکم محکومیت به واسطه وقوع اشتباه در اجرای عدالت: طبق بند ۶ ماده ۱۴ میثاق (( هر کس به موجب حکم نهایی به دلیل ارتکاب جرمی محکوم گردد و محکومیت وی بعداً به واسطه کشف وقایع تازه یا حدوث وقایع جدید فسخ گردد یا مورد عفو قرار گیرد و معلوم شود که در اجرای عدالت اشتباهی رخ داده است، حق دارد زیان هایی که در اثر اجرای چنین محکومیتی متحمل شده مطابق قانون جبران گردد، مگر این که ثابت شود که مکتوم مانندن حقایق کلاً یا بعضاً منتسب به خود او بوده است )) این حق در ماده ۱۰ کنوانسیون امریکایی نیز باین عبارت پیش بینی شده است: (( هر کس به موجب یک حکم نهایی مبتنی بر اشتباه و سوء اجرای عدالت متحمل مجازات شده، حق دارد تا زیان های وارد بر او موافق قانون جبران شود )) کنوانسیون اروپایی در این قسمت نیز ساکت است اما سکوت آن در ماده ۳ پروتکل شماره ۷ با عبارتی تقریباً مشابه عبارت بند ۶ ماده ۱۴ میثاق جبران شده است.

ج) راهکارهای حمایت از حقوق بشر در معاضدت بین‌المللی در قلمرو کیفری دل‌نگرانی برای حمایت از حقوق بشر باید الهام‌بخش اشکال جدید هر کاری باشد، این حمایت نباید به عنوان مانعی در سر راه همکاری بین‌المللی تلقی شود، بلکه باید با آن به مثابه یک ابزار تقویت برتری و حاکمیت حقوق برخورد کرد، دولت‌های عضو پیمانهای همکاری در قلمرو کیفری باید مطابقت و همسویی آنها را با اقدامات بین‌المللی مربوط به حمایت از حقوق بشر مجدداً بررسی کنند، به هنگام عقد پیمانهای جدید همکاری در قلمرو کیفری، دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که این پیمانها تعهد همکاری در مواردی که به نقض حقوق اساسی فردی منجر می‌شود بوجود نمی‌آورند؛ همچون اعمال انواع شکنجه، تبعیض،

بازداشت خودسرانه، ضبط خودسرانه اموال و تعقیبهای کیفری که مطابق با شرایط عمومی یک محاکمه عادلانه و منصفانه نیست، هنگامی که از دولتها تقاضای معاضدت قضایی در قلمرو کیفری می‌شود، این دولتها باید به چگونگی و نحوه احترام به رفتارها و آزادیهای افراد در کشورهای متقاضی توجه کنند، به هنگام تدوین اسناد و تهیه ابزارهای جدید همکاری در قلمرو کیفری، دولتها باید به تعریف و حمایت حقوق فرد و نیز نحوه پاسداری از منافع او در دعوا یا دعاوی کیفری اقامه شده براساس این ابزارها و اسناد، توجه خاصی مبذول دارند، کشورهایی که در قوانین و مقررات خود در زمینه ادله اثبات دعوی کیفری، استفاده از دلایلی را که به صورت غیرقانونی و نامشروع کسب شده است، ممنوع یا محدود کرده‌اند، باید همین ممنوعیتها و محدودیتها را نسبت به دلایلی که از طریق معاضدت بین‌المللی در قلمرو کیفری کسب شده است، اعمال نمایند.

#### ۲-۴- تحصیل دلایل در مرحله تحقیقات مقدماتی و رعایت حقوق متهمان

در رسیدگی به امر کیفری هر نوع اقدامی که به حقوق اساسی فرد اختلال وارد آورد، باید مبنای قانونی داشته باشد. نابراین، نه تنها بازداشت موقت و سایر اقدامات الزام‌آور و اجباری علیه متهم بلکه تمامی موارد تحصیل دلایل نیز در حدی که ارتباط با حقوق اساسی داشته باشد دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است که تخطی از آن نقض صریح قانون و موجب مسؤولیت خواهد بود. صلاحیت اتخاذ تصمیم درخصوص اقدامات محدودکننده حقوق و آزادیهای فردی در اکثر کشورها به قاضی دادگاه واگذار شده است، هرچند به مأموران پلیس و دادسرا در موارد فوری اختیار در بعضی اقدامات داده شده است، اما تصمیمات آنها در مهلت کوتاهی باید مورد تأیید قاضی قرارگیرد. اصول مربوط به تحصیل دلایل که در گزارشها از آن یاد شده مربوط به آزادی و قانونی بودن دلایل است و معنی آن این است که در دعوی کیفری هر نوع دلیلی پذیرفته است، مگر آنهایی که صریحاً در قانون اساسی و یا قانون عادی منع شده باشد. در مورد وسائل جدید مثل شنود الکترونیکی از راه دور یا مراقبت خودکار با دوربین عکاسی گزارش کشورها مؤید این است که مصوبه قانونی در این باره وجود ندارد. اما غالباً چنین نتیجه گرفته‌اند که دلایل بدست آمده از این راه به آزادی و اسرار خصوصی فرد لطمه وارد می‌کند. مع‌هذا در بعضی گزارشها آمده که تحصیل دلیل با این وسایل به علت حساس بودن امر باید توسط قانونگذار پیش‌بینی و ضوابط آن دقیقاً تعیین شود. در تحصیل دلایل، اسرار حرفه‌ای که ضامن اعتماد افراد است و معمولاً بین پزشک و بیمار و یا وکیل و موکل و از این قبیل مشاغل وجود دارد، باید محفوظ بماند و مورد احترام قرار گیرد. مطبوعات نیز در حفظ اسرار نقش مهمی دارند. مدیران مسؤول آن را نباید ملزم به ادای شهادت و افشاء اطلاعات و اخبار مربوط به مقاله‌های نویسندگان نمود. به علاوه از انتشار اخبار دادگستری راجع به محاکمات قبل از صدور حکم باید خودداری شود. به لحاظ اینکه آثار زیان‌بخش انتشار مطالب مربوط به جلسه دادرسی در مطبوعات احتمالی و غیرقابل جبران است، حداقل در کشورهایی که این آزادی به مطبوعات داده شده باید محدودیت یا ممنوعیتها درانتشار بعضی مطالب توسط مطبوعات یا به طور کلی رسانه‌های گروهی کنترل و لاقط تعیین گردد. در اکثر گزارشها با اعتقاد به اصل شایستگی و صحت دلایل، کلیه دلایلی را که با نقض حقوق اساسی اشخاص

بدست آمده و مبنای صریح قانونی ندارد، باطل و بلااثر شناخته‌اند. این قبیل دلایل مطلقاً قابلیت سنجش را ندارد.

در مورد دلایل ممنوعه بعضی اشاره به شهود بدون هویت آشکار و نیز شهود وابسته به دولت یا مأمورانی که در شهادت یا گزارش مشخصات واقعی را افشاء نمی‌نمایند کرده، و قبول این نوع شهادت را خطر مهمی در کشف حقیقت و مسأله دفاع دانسته‌اند. می‌گویند شاهد و مأخذ اطلاعات او باید مشخص و آشکار باشد. من باب مثال در اسرائیل به دادرها اجازه داده شده که از مأموران مخفی به عنوان شاهد بدون اینکه هویت واقعی آنها معلوم شود در امر کیفری استفاده نمایند. در کشور آلمان سابقاً به همین نحو عمل می‌شد تا اینکه دادگاه فدرال این نوع اقدام را ممنوع کرد و مقرر داشت که در جلسه صورت مجلسی با حضور دادستان و وکیل متهم توسط قاضی تنظیم شود که در آن هویت کامل و واقعی شاهد مشخص و منعکس گردد:

الف) اصل برائت به موجب بند ۲ ماده ۱۴ میثاق و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی، هر کس متهم به ارتکاب جرم است، مادامکه تقصیر او موافق قانون اثبات نشده حق دارد از پیش فرض برائت برخوردار باشد. بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی، ماده ۲۶ اعلامیه امریکایی، بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی، بند ۱ ماده ۷ منشور افریقایی و بند ۵ ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر بر این مطلب تصریح تمام دارند. امروزه پیش فرض برائت متهم امروزه میراث مشترک حقوقی همه ملل جهان محسوب می‌شود. ولی برای نخستین بار به طور رسمی قبول حاکمیت آن بر محاکمات جزایی، در ۱۷۸۹ در اعلامیه حقوق بشر فرانسه صورت گرفته است. براساس ماده ۹ اعلامیه مذکور «افراد تا زمان محکومیت بی گناه به شمار می‌آیند...». به هر حال آنچه در مقررات فوق مورد نظر بوده، این است که اولاً دادگاه نمی‌تواند وظیفه قضایی خود را به اعتقاد و حتی به گمان مجرمیت متهم شروع نماید. بار اثبات مجرمیت متهم بر دوش دادرست و هر نوع تردید و ابهام به نفع متهم تأویل می‌گردد. ثانیاً دادگاه باید امکان ارزیابی و رد و ابطال دلایل اتهام را برای متهم فراهم سازد. تقصیر متهم فقط از طریق دلایل غیر قابل ردی که مستقیماً از قانون ناشی می‌شوند قابل اثبات است. اصل یا پیش فرض برائت یکی از اصول و قواعد بنیادین محاکمات جزایی است که از حقوق شهروندان در برابر قدرت طلبی های نهادهای عمومی حمایت می‌کند.

ب) برخورداری از کمترین تضمین های دفاع بند ۳ ماده ۱۴ میثاق هفت قسمت است و هر قسمتی متضمن یکی از حقوق متهم در دعاوی جزایی است؛ حقوقی که در مجموع تحت عنوان کمترین تضمین های دفاع بررسی میکنیم.

### ۳- نتیجه‌گیری

در خصوص حقوق متهم و جامعه بنابر اصل عدالت، حفظ امنیت اجتماعی و رعایت حقوق شاکی و متهم از مهمترین اصول در آیین دادرسی کیفری به شمار می‌رود و تلاش در تحقق عدالت اجتماعی و پاسداری از آن بر کل نظام قضایی امری واجب می‌باشد. ازدیاد جرایم و توسعه عناوین مجرمانه و مقررات مربوط به امور کیفری منجر به تجاوزهایی علیه حقوق و شخصیت متهم شده است،

لذا برقراری تعادل بین لزوم تعقیب مجرم و رعایت حقوق و حفظ کرامت انسانی متهم از واجبات دستگاه قضایی است بر پایه مبانی و نصوص موجود در فرهنگ غنی اسلامی، تعدیل میان این دو به خوبی شکل گرفته است و تحقق این دو امر در رویه قضایی امیرالمؤمنین لحاظ همه جانبه عدالت یکی از مختصات عصر حکومت علوی به شمار می‌رود؛ لذا از شیوه‌های عملی ایشان در مصادیق و قضایای خارجی می‌توان اصول و قواعد حقیقی را انتزاع نمود که ضمن جلوگیری از تجاوز به امنیت اجتماعی به حفظ حقوق متهمان بیانجامد. از جمله اصل برائت، تساوی در برابر قانون و دادگاه، ممنوعیت شکنجه، تجدید نظرخواهی. بر این اساس لازم است که در نظام قضایی اسلامی که بر پایه اندیشه علوی و فقهات جعفری شکل می‌گیرد، با تجدید نظر مبانی، ضمن نظارت بر حسن اجرای قوانین موجود و بر طرف نمودن خلأهای قانونی، حقوق متهم مورد حمایت قرار گیرد در خصوص مبانی فقهی حق سکوت از تحقیق در آثار گرانهای فقهی می‌توان استفاده کرد که حقوق اسلامی درباره جرایم دارای جنبه حق الله، به استناد دلایلی مانند اصل ممنوعیت اجبار مسلم به بیان، اصل حرمت تجسس، قاعده درأ و برخی از روایات وارده برای متهم حق سکوت را به رسمیت می‌شناسد و حتی اعلام این حق به متهم را می‌توان گامی موثر برای تحقق سیاست های کیفری در مقابل جرایم مزبور به شمار آورد. درباره جرایم دارای جنبه حق الناس، فقها دو نگرش کلی دارند: برخی به اجبار وی به دادن پاسخ از راه هایی مانند حبس یا ایراد ضرب و ایجاد برخی تضییقات قائل شده اند و به اعتقاد دیگران، قاضی بدون آنکه حق الزام مدعی علیه را به پاسخگویی داشته باشد، فقط می‌تواند بارد سوگند به مدعی، تکلیف پرونده را مشخص سازد که در این فرض، چنانچه مدعی بر صحت خواسته خود سوگند یاد کند، ردی به نفع وی صادر می‌شود، وگرنه به بی حقی محکوم خواهد شد. در مقام ارزیابی دو موضع مزبور، مشخص شد که قول مبنی بر اجبار مدعی علیه به دادن پاسخ، از دلایل محکمی برخوردار نیست و نظر مقابل که در واقع برای مدعی علیه حق سکوت را پذیرفته است، از مبانی فقهی و متقنی بهره می‌جوید. و در خصوص حقوق ایران، اسناد منطقه ای و بین المللی دادرسی عادلانه در بستر رعایت اصولی که ناظر بر مراحل تعقیب، تحقیق، دادرسی و اجرای احکام می‌باشد، مسیر است. حقوق دفاعی متهم به عنوان یکی از ابعاد گسترده پیش بینی شده برای متهم به موجب رعایت اصل برائت یا فرض بی گناهی موجد تکالیفی برای ضابطین و مقامات قضایی است. حقوق دفاعی متهم در مراحل مختلف دادرسی، در ق. ا و میثاق و سایر مقرره های بین المللی تضمین شده است. یکی از ابعاد حقوق دفاعی متهم، حق سکوت وی می‌باشد. حق سکوت متهم موافق با اصول حقوق بشر است و بایستی توسط ضابطین و مقامات قضایی محترم شمرده شود و پس از احضار یا جلب متهم علاوه بر استعمال هویت و اعلام صریح اتهام، حق استفاده از آن به متهم تفهیم گردد. شق «ز» بند ۳ ماده ۹ میثاق، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی و شق «الف» بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه، به صورت ضمنی به تکلیف مقامات قضایی به اعلام استفاده از این حق اشاره دارند. در عرصه داخلی، اصل ۳۸ ق. ا بدون این که صراحتاً به حق سکوت اشاره نماید، به صورت ضمنی این حق را برای متهم، در نظر گرفته است. ماده ۱۹۷ ق.ا.د.ک نیز به نحو تلویحی، به حق سکوت متهم در اثنای بازجویی اشاره کرده است. اما با این حال تکلیفی نسبت به اعلام حق سکوت به متهم، برای مقاماتی که در جریان دادرسی کیفری قرار می‌گیرند

و به مناسبت مسئولیت خویش عهده دار امر تحقیق می‌شوند، نه در قانون اساسی و نه در قوانین عادی، وجود ندارد. اعلام حق سکوت به متهم در کلیه مراحل دادرسی؛ از آغاز تا اجرای حکم به موجب رعایت رفتارهای انسانی و کرامت مدار بشری به فرد متهمی که هنوز از وی، جرمی به اثبات نرسیده است یا حتی اگر دلایل مجرمانه متوجه وی باشد و منجر به صدور حکم علیه او شده باشد، نمی‌تواند مصون از نقض در مرحله تجدیدنظر خواهی باشد، از جمله تضمین‌های بنیادی برای قانونمند کردن کیفر تحمیلی با رعایت معیار انسانی و بشری است؛ چرا که حداکثر خطای فرد متهم، جرم ارتكابی اوست که با رعایت اصل قانونی بودن جرم و اصول حاکم بر اثبات و مستند ساختن عمل مجرمانه به وی با کیفری که مبتنی بر اصل قانونی بودن مجازات است، مواجه هستیم. پس تردیدی نیست که اگر نمی‌توانیم از روش‌های قانونی و عادلانه در اثبات جرم و تحمیل مجازات به وی بهره بگیریم، حداقل از چارچوب اصل برائت (به عنوان یکی از اصول بنیادی مصرح در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی) خارج نشویم.

ملزم ساختن ضابطین و مقامات قضایی به اعلام حق سکوت در مراحل تعقیب، تحقیق، دادرسی و حتی پس از صدور حکم به لحاظ دست‌آوردهای وسیع حقوق بشری و قرائت‌های نوین بر گسترده ساختن قلمرو اصل برائت، از افق‌های روشنی برای استحقاق افراد از رفتارهای انسانی هماهنگ با کرامت و جایگاه‌الای انسانی است. چرا که زمانی می‌توان به ترسیم حقوق بشر در یک نظام حقوقی امیدوار بود که درک مراتب کرامت و ارزش‌الای انسانی بر فضای جامعه طنین افکن باشد. در قوانین کشورهای مترقی در زمینه حقوق بشر، قضات تحقیق و ضابطین و پلیس الزام دارند به اینکه متهم را از این حق، چه در مرحله تحقیق و چه در مرحله محاکمه، آگاه کنند. لیکن در قوانین کشور ما، هیچ صراحتی در این خصوص و نیز اعلام آن به متهم وجود ندارد. لذا عدم پیش‌بینی صریح تکلیف مقامات قضایی مبنی بر اعلام حق سکوت به متهم در مرحله تعقیب، تحقیق و محاکمه با خلاء تقنینی مواجه می‌باشد؛ که در جهت بهبود هر چه بیشتر حقوق دفاعی متهم پیش‌بینی صریح الزام مقام‌های فوق به اعلام داشتن این حق به متهم ضروری به نظر می‌رسد.

از بررسی اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی مربوط به حقوق بشر و رویه‌ی جاری در سامانه‌های حقوقی مختلف چنین بر می‌آید که بحث فقط وجود یا نبود حق سکوت نیست، بلکه ماهیت دقیق این حق نیز مطرح است. برای مثال، آیا مفهوم دادرسی عادلانه این حق مطلق است یا برای ایجاد توازن میان حق‌های شخصی در برابر منافع دولت تابع محدودیت‌هایی است؟

در سال ۱۹۶۶ که پیش‌نویس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تهیه شد، حق سکوت به صراحت در هیچ سند بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفته بود. از این رو، تحولات جدید همانند رویه‌ی قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، پیش‌نویس مجموعه‌ی اصول مربوط به حق‌های مربوط به دادرسی عادلانه، اصول جدید آیین دادرسی و دلایل تصویب شده برای دادگاه جنائی یوگسلاوی پیشین و رواندا و اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی رم باعث شد که این حق به منزله‌ی حقی مسلم مورد توجه قرار گیرد.



افزون بر اسناد بین‌المللی، این حق در رویه قضائی کشورها نیز از جهت مفهوم و قلمرو مورد توجه بوده است. در استرالیا، ملاحظه‌های جدیدی در مورد الغاء، تغییر و حفظ آن مطرح شده است. در انگلستان، تغییرهای قانون‌گذاری در مورد این حق هم از جهت داخلی و هم در ارتباط با دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح است.

در همه‌ی کشورها و به ویژه در کانادا نیز، بحث استنباط‌های مخالف از سکوت متهم در مرحله‌های مختلف رسیدگی مطرح است. با وجود این، در همه‌ی این سامانه‌های حقوقی، اصل قضیه‌ی حق سکوت متهم پذیرفته شده و تفاوت تنها در اهمیت این حق در مقام توازن میان امکان استنباط‌های مخالف از حق سکوت و منع الزام وی به اقرار است. در حقوق ایران نیز، حق سکوت هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی پذیرش شده، ولی رویه‌ی قضایی وارد این بحث نشده است که قلمرو و جنبه‌های آن را روشن کند و اساساً وارد بحث امکان یا عدم امکان استنباط از حق سکوت نشده است.

هر چند برخی طرفدار اساسی حق سکوت بوده و آن را از لوازم دادرسی عادلانه و تضمین‌کننده‌ی شرافت انسانی می‌انگارد، حق سکوت مخالفان اساسی نیز دارد. مخالفان بر این باورند که افراد بی‌گناه هرگز از امتیاز حق سکوت استفاده نمی‌کنند، بلکه خواهان حرف زدن می‌باشند و این مجرمانند که از امتیاز سکوت بهره‌مند می‌شوند.

#### ۴- پیشنهادات

##### ۴-۱ پیشنهادات نظری

در تحصیل دلایل استفاده از وسایلی که مربوط به روابط خصوصی افراد می‌شود، مثل استماع مکالمات تلفنی وقتی پذیرفته است که قانونگذار صراحتاً اجازه داده باشد و قاضی در مورد استفاده از آن قبلاً تصمیم گرفته باشد. در مورد نمونه‌برداری ژنتیک و شنود الکترونیکی از راه دور نیز قانونگذار باید شرایط پذیرش آن را دقیقاً تعیین کرده باشد.

اختصاص دادن مزایا و اولویتهایی به شهود یا مأموران مخفی در امر کیفری که بعضی دولتها به آن عمل می‌کنند، فقط در بعضی پرونده‌های مربوط به جرائم سازمان یافته ارزش دارد. مع‌هذا اگر هدایت این اشخاص در جلسه مشخص نباشد، گزارشها یا اظهارات آن هیچگونه ارزشی در اتخاذ تصمیماتی که اجبار و الزامی علیه متهم تحمیل می‌نماید، ندارد.

دولت باید از ابتدای تشکیل پرونده برای هر فرد متهم یا محکوم علیه حق داشتن مشاور را تضمین نماید. این مشاور در صورتی که متهم قدرت مالی نداشته باشد، رایگان است و مخارج آن به عهده دولت خواهد بود.

##### ۴-۲ پیشنهادات کاربردی

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی به بررسی تطبیقی حق سکوت در حقوق ایران و فرانسه پرداخته شود.

## ۵- فهرست منابع

## \* قرآن

۱. آشوری، محمد. ۱۳۹۳. آئین دادرسی کیفری، تهران: ج ۱، انتشارات سمت.
۲. سهراب بیگ، امیر. ۱۳۸۰. راهکارهای غلبه بر اطاله دادرسی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۳. شمس، عبدالله. ۱۳۹۵. آئین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، تهران: نشر دراک، تهران.
۴. صابر، محمود. ۱۳۸۸. معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله مدرس علوم انسانی و پژوهش‌های حقوق تطبیق، دوره ۱۳، شماره ۴.
۵. صیاد، راضیه. ۱۳۹۰. دادرسی عادلانه، در پرتوی هنجارهای ملی و بین‌المللی، هنجارهای ملی - بین‌المللی. [www.internationallaw.Persianblog.ir/tag](http://www.internationallaw.Persianblog.ir/tag).
۶. طه، فریده؛ اشرافی، لیلا. ۱۳۸۶. دادرسی عادلانه، تهران: نشر میزان.
۷. فضائی، مصطفی. ۱۳۸۹. دادرسی عادلانه، محاکمان کیفری بین‌المللی، تهران: شهر دانش.
۸. کشاورز، بهمن. ۱۳۹۲. آیین دادرسی کیفری جدید، رییس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران در گفت و گو با گروه پژوهش و تحلیل ایرنا.
۹. متین دفتری، احمد. ۱۳۹۲. آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۲، تهران: نشر میزان.
۱۰. محمدخانی، حسین. ۱۳۹۰. اطاله دادرسی و فشار فزاینده بر قاضی، معاون قضایی رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران.
۱۱. موذن‌زادگان، حسنعلی. ۱۳۷۳. حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۱۲. یکرنگی، محمد. ۱۳۸۶. حق متهم در سیستم عدالت کیفری نوین، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات حوزه ریاست قوه قضائیه.